

بزرگوار اسلام

شهید اول

و از این چشمه زلال مقداری بهره گرفته، گرچه تاریخ در اینجا چیزی نمی‌گوید، زیرا به آن اندازه نبوده است که در خور ثبت شدن باشد و انگهی شهید اول آنقدر مقام شاخ و بلندی دارد که او را با پدرش نتوان مقایسه کرد.

در نخستین سالهای جوانی برای کسب فقه آل محمد (ص) در زهبار حله شد. حله در آن دوران مرکز فراگیری و نشر علوم اهل بیت و اقامتگاه رهبران دینی و مراجع معظم علمی بود. بنا بر این او نخستین کسی است که هجرت علمی را از جبل - عامل (۲) آغاز کرد که پس از آن یک برنامه اساسی برای دانش - پژوهان علوم دینی در امتداد زمان شد و همین هجرت‌های پربار، ثمر، نالوده، حوزه علمیه جبل عامل را پایه ریزی کرد و چه بسا فقها و بزرگانی که برای این مکان افتخار آفریدند و با کتابها و آثار ارزنده خود بزرگترین خدمتها را به عالم تشیع نمودند.

شخصیت علمی

شهید، بیشترین تحصیلات خود را در فقه، نزد فخرالمحققین فرزند علامه حلی فراگرفت سپس در محضر بسیاری از فقها و علمای شهر آن دیار نیز فقه و اصول و دیگر علوم را آموخت و از بسیاری از بزرگان دینی، اجازه روایت و اجتهاد گرفت، که

شهید اول - محمد بن جمال الدین مکی - شخصیتی است بزرگوار که بین علم و عمل، خون و قلم، شهادت و فقاہت، تقوی و نبرد، ایمان و استقامت و زهد و ورع را جمع کرده است. در روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) آمده است:

"مداد العلماء افضل من دماء الشهداء"

- قلم عالمان، برتر از خون شهیدان است. ولی اینجا در برابر بزرگمردی هستیم که با دست توانایش، دانش را در جهان گسترده و با سر مطهرش - حسین وار - شهادت را استقبال کرد. گرچه امام خمینی می‌فرمایند: "شهید را قلمها می‌سازند و قلمها هستند که شهید پرورند" ولی این فقیه عالمقام با همان قلمی که در امتداد تاریخ شهید می‌سازد از خود نیز شهید ساخت. او کسی است که لقب "شهید اول" یا "شهید" در اصطلاح علماء بر او اطلاق میشود.

این افتخار عالم تشیع در روستای "جزین" (۱) چشم به دنیا گشود. سال ولادت آن بزرگوار را ۷۲۰ و برخی ۷۲۹ هجری - قمری نقل کرده‌اند. پدر و جد او از علماء و فضیلتی زمان خود بودند. شیخ حر عاملی در "امل‌الامل" پدر شهید را بعنوان یکی از برجستگان دانش و جدش را عالمی پارسا و با تقوی ستوده است. بنا بر این شهید اول در خاندان علم و تقوی متولد شد

شاید بتوان گفت بیش از تمام علمای دین در طول تاریخ، اجازه نامه داشته است. اینک برخی از اساتید بزرگ او را نام می‌بریم:

- ۱ - دو برادر که فقیهان فرزانه و دانشمندان سرشناس زمان خود بوده‌اند: سید عمیدالدین عبدالملک و سیدضیاءالدین عبدالملک حسینی. این دو برادر، خواهرزادگان علامه حلی-اند که کتاب تهذیب علامه را شرح و تفسیر نموده‌اند.
- ۲ - سید تاج‌الدین حسینی معروف به "ابن معیه"
- ۳ - سید علامه‌الدین حسینی معروف به "ابن زهره"
- ۴ - شیخ زین‌الدین علی بن احمد مطار آبادی.
- ۵ - شیخ قطب‌الدین ابوجعفر محمد بن محمد رازی بویه‌ای، فیلسوف و حکیم مثاله. شهید درباره او می‌گوید: "در سال ۸۶۷ در دمشق (شام) خدمت رسیدم و از انقاس او بهره مند شدم. او به من اجازه داد که تمام تالیفات و تصنیفاتش را در معقول و منقول روایت نمایم."

- ۶ - شیخ رضی‌الدین علی بن احمد مزیدی.
- ۷ - شیخ جلال‌الدین محمد بن محمد حارثی.
- ۸ - شیخ محمد بن جعفر مهدی.
- ۹ - شیخ احمد بن حسین گوفی.

همچنین شهید بزرگوار، بعضی از علوم را نزد علمای بزرگ سنی آموخته است که مجموع آنان در حدود ۴۰ نفر می‌باشند. برخی از مشهورین آنان را نام می‌بریم:

- ۱ - شمس‌الدین محمد بن عبدالله بغدادی حنبلی.
- ۲ - شمس‌الائمه محمد بن یوسف قریشی شافعی. در اجازه‌ای که وی به شهید داده چنین آمده است: "اجازه دادم به مولای اعظم، امام امامان، دارای فضائل بسیار و جامع صفات نیک و کمالات ارجمند، فراگیرنده دانشهای دنیوی و اخروی، آفتاب درخشان دین و آئین، محمد بن جمال‌الدین بن مکی دمشقی، خداوند به او آنچه درخورش است عنایت کند، به او اجازه دادم که آنچه حق روایت کردن در آن دارم، او نیز روایت کند بویژه از سه کتابی که استاد گل عبدالرحمن بن احمد لاجسی تالیف کرده‌اند."

- ۳ - شیخ شهاب‌الدین احمد بن حسن حنفی، فقیه بیت المقدس
- ۴ - شیخ برهان‌الدین ابراهیم بن عمر جعبری، فقیه مکه.

سخنان بزرگان در ستایش شهید:

شهید اول از علمای بنامی است که کمتر نظیر او را می‌توان یافت و آنچه در ستایش و مدح و معرفی او آمده است، تنها می‌تواند مقداری از جلالت شان و عظمت او را بیان کند، زیرا ستایش او همچون ستایش خورشید است به روشنائی و نور. شهید محمد بن جمال‌الدین مکی مشعل هدایت، رهبر دین و دنیا

فقیهی زبردست و ادیبی کارگشته و شاعری توانا و دانشمندی دریا آسا بود.

استاد عالیقدرش فخرالمحققین در اجازه‌ای که بسما و داده چنین می‌گوید: "مولای ما امام، علامه بزرگوار، برترین علمای جهان، سرور اندیشمندان فرزندان آدم، شمس‌الحق و الدین محمد بن مکی بن محمد، مشکلات این کتاب را (کتاب قواعد) نزد من خواند، و من به او اجازه دادم که تمام کتابهای پدرم - قدس سره - و همچنین آنچه علمای قبل از ما نوشته‌اند را روایت کند."

کجا دیده شده است که استادی اینچنین شاگردش را بستاند جز اینکه یک طرف آنچنان متواضع و حقیقت بین و با تقوی همچون فخرالمحققین باشد و این طرف هم شاگردی مثل شهید اول که جهان علم و فضیلت در برابر عظمتش خاضع است.

نویسنده کتاب "اللو'لوه" چنین می‌گوید: علم و فضلش مشهورتر از آن است که بیان کنیم و سرشارتر از آن که نشاخته بماند. دانشمندی توانا و فقیه‌ای متبحر و کونا و صاحب نظر در علوم عقلیه و نقلیه بود. او زاهدی پارسا بود که نظیر او کمتر در روزگار دیده می‌شود. پدرش شیخ مکی بن محمد بن حامد نیز مردی فاضل بود.

نویسنده کتاب "المستدرک" می‌نویسد:

"تاج شریعت و پایه افتخار شیعه، خورشید دین و آئین، ابوعبدالله محمد بن الشیخ جمال‌الدین مکی، بمعقیده جمعی از اساتید فن، دانشمندترین فقیه است. جامع رشته‌های گوناگون علم و ادب، و دارای انواع فضائل و مکارم و صاحب روحی پاک و نیرومند و ملکوتی که آنچه سید بزرگوار سید حسین قزوینی در مقدمه شرحش بر کتاب "شرایع" درباره وی گفته از آن حکایت میکند، وی می‌گوید: من به خط سید عالیقدر مؤلف "حداثق الابرار" از نواده‌های دانشمند، شهید ثانی دیدم که نوشته است: "... من در سال ۹۵۵ به خواب دیدم در قریه "جزین" هستم - همان ده شیخ شمس‌الدین محمد بن مکی مشهور به "شهید اول" - به درخانه شیخ رفتم و دررا کوفتم، شیخ به دم در آمد، از او خواستم کتابی را که شیخ جمال‌الدین بن مطهر در باره اجتهاد تالیف کرده برایم بیاورد. به درون رفته آن کتاب را با کتاب دیگری - که به گمانم در زمینه روایات بود - آورد و به من داد، چون از خواب برخاستم دیدم آن دو کتاب در کنار من است. (۳)

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب "امل الامل" در ستایش او می‌گوید: شیخ شمس‌الدین، ابوعبدالله، شهید محمد بن مکی عاملی جزینی، دانشمندی حاذق، فقیه، محدث و مورد اعتماد همگان بود در علم، دریا آسا، جامع تمام فنون عقلی و روایی، مردی پارسا و پرستنده‌ای پرهیزگار و شاعری توانا، یگانه‌روزگار

و خلاصه کسی بود که در زمان خود همنامی نداشت. از شیخ -
فخرالدین محمد، فرزند علامه حلی روایت میکند و همچنین از
عدای دانشمندان شیعی و سنی.
سید مصطفی تفرشی در رجال خود او را بعنوان "شیخ الطایفه"
رهبر و بزرگ شیعیان می ستاید.

تألیفات شهید:

آثار گرانبها و ارزشمند شهید اول که برای همیشه بر جبین
تاریخ می درخشد و علماء و دانشمندان تا کنون مستغنی از این
کتابها نبودند، خود دلیلی است روشن بر عظمت مقام و
 منزلت این رادمرد عالم انسانیت. و جالب این است که بیشتر
کتابهای آن دانشمند والامقام فقهی و پژوهشی است که بدون
حضور در محضر استاد، از آنها استفاده نتوان کرد. در ذیل
برخی از آنها را نام می بریم:

۱- *اللمعه الدمشقیه*: کتابی است در فقه، که در عین اختصار
و اجمال، تمام ابواب فقه را در آن گنجانده است. این کتاب از
زمان تألیف تا هم اکنون در حوزه های علمیه مورد استفاده
طلاب بوده و هست. شهید ثانی شرح بسیار جالبی در دو جلد
بنام "الروضه البهیة" بر این کتاب نوشته است. شهید ثانی در
شرح لمعه می نویسد: این کتاب را شهید اول بنا به درخواست
شمس الدین محمد آوی از پاران سلطان علی بن مؤید، حکمران
خراسان در آن زمان، نگاشته است. او در نامهای بسیار شیرین
و لطیف از شهید خواست که به خراسان سفر کند زیرا شیعیان
خراسان تشنه دیدار اویند، ولی شهید نتوانست حاجت او را
برآورده سازد لذا از او بپوش خواست و در برابر آن همه اظهار
لطف و محبت این کتاب را در هفت روز - همانگونه که فرزندش
ابوطالب محمد نقل می کند - مرقوم فرمود. و همین داستان
کافی است که بدانیم چقدر آن عالم والامقام احاطه بر فقه آل
محمد داشته است که در یک هفته بگذرد کامل از فقه را می نگارد
از کرامات شیخ نیز در تألیف این کتاب، همین است که خود
فرمود: " هنگامی که شروع به تصنیف "لمعه" نمودم، می ترسیدم
که نکند یکی از دشمنان دین بیاید و مرا در حال نوشتن ببیند
ولی از الطاف خفیه الهی در طول این مدت حتی یک نفر هم
بدیدار من نیامد."

۲- "الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه": این کتاب نیز در
فقه است که آنرا تا کتاب رهن نوشت و قبل از تمام شدن کتاب،
به سعادت شهادت ناثل آمد و کتاب به پایان نرسید. این کتاب
در سال ۱۲۶۹ در ایران به چاپ رسیده است و شرحهای بسیاری
دارد.

۳- "الفیه": رسالهای است در فقه که مشتمل بر هزار
واجب از واجبات نماز است و دارای یک مقدمه و سه فصل و یک

خاتمه می باشد. این رساله، تا کنون چندین بار چاپ شده است.
۴- "نغلیه": این کتاب را پس از الفیه تألیف کرد. که
مشتمل بر ۳۰۰۰ نماز مستحبی است.

۵- "غایه المراد فی شرح نکت الارشاد": متن این کتاب
فقهی از علامه حلی است و شهید بر آن شرح نوشته است این
کتاب نیز در سال ۱۳۰۲ در ایران چاپ شده است.

۶- "شرح التهذیب الجمالی فی اصول الفقه" تهذیب نیز
از کتابهای علامه حلی است که ایشان بر آن شرح نوشته است.
۷- "خلاصه الاعتبار فی الحج و الاعتمار": رسالهای است
در مناسک حج و عمره.

۸- "البیان": از کتابهای فقهی آن بزرگوار است که
مناسفانه شهادت مانع از تمام شدن آن شد.

۹- "ذکر الشیعه فی احکام الشریعه": معروف به "الذکری"
در فقه است که هفت بحث اصولی نیز در آن آمده است. تألیف
این کتاب به پایان نرسید. کتاب مزبور در سال ۱۲۷۱ در ایران
به چاپ رسیده است.

۱۰- "القواعد و الفوائد": در قواعد فقهی و اصولی و
ادبیات عرب است این کتاب چند بار به چاپ رسیده است.

۱۱- "الاربعون حدیثا": چهل حدیث که بیشتر آنها در
عبادات است.

۱۲- رساله فی التکلیف و مزرعه و فروعه.

۱۳- مقاله التکلیفیه: در عقائد.

۱۴- مزار الشهید: آن را "منتخب الزیارات" نیز مینامند
این کتاب به فارسی نیز ترجمه شده است.

۱۵- "شرح قصیده الشهبانی": این قصیده در ستایش
امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که شهید آن را شرح نموده است

شهادت:

پسر شهید بر اجازه نامهای که "شهید" برای این خازن نوشته
به خط خود چنین نوشته است: " پدرم، امام، علامه که این
خط مبارک وی است، شمس الدین، ابو عبدالله، محمد بن مکی،
روز پنجشنبه نهم جمادی الاولی سال ۷۸۶ در داخل قلعه دمشق
اعدام و سپس همانجا آتش زده شد. " (۴)

آنچه از تاریخ برمی آید، برخی از حاسدان دربار "برقوق"
(۵) که بر شهید اول چشم زد داشتند و توان دیدن یک نفر
انسان را که جامع آن همه فضائل و کمالات است نداشتند - زیرا
که شهید بر فقه تمام مذاهب تسلط کامل داشت، و پیروان همه
مذاهب مسلمان او را مرجع خود دانسته و از او - هر کس طبق
مذهب خودش - پاسخ سئوالات را می گرفتند - این رشکبران
حاسد با ساختن دروغها و تهمت های ناروا، شاه خون آشام ستمگر
بقیه در صفحه ۶۲

دنباله انگیزه قیام

را بین دو امر قرارداد: بین شمشیر و ذلت (کشتن یا ذلت را پذیرفتن) ذلت از ما سخت ، دور است و هرگز ما ذلت رانمی پذیریم نه خدا و پیامبرش میخواهند و نه مؤمنین اینرا بر ما می پذیرند و نه این دامنهای پاک و ظاهر و این حمیت الهی و این هستهای بلند و ارجمند می گذارد که فرمانبرداری از لشیمان و پست فطرتان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم . آگاه باشید که من آنچه لازم بود گفتم و شما را (از عذاب خدا) ترساندم و حجت را بر شما تمام کردم . بدانید که من با همین خانواده ، آماده نمودم گرچه افراد من کم و یارانم اندکند .

و بالاخره پس از نماز ظهر ، و لحظاتی قبل از شهادت رو به یاران با وفایش کرد و گفت :

ای جوانمردان ! این بهشت است که درهائش را (برای استقبال شما) گشوده است و رودهایش به هم پیوند خورده و میوه هایش رسیده است ، و اینک پیامبر (ص) (منتظر شما است) و شهیدان راه خدا برای دیدار شما لحظه شماری می کنند و همدیگر را بشارت می دهند ، هان ای یاران ! از دین خدا و دین رسولش پشتیبانی کنید و خاندان پیامبر را دریابید

ای سرور شهیدان !

ای سالار جانبازان و عاشقان الله !

ای رهبر انقلاب جاوید !

ای سرمشق مجاهدان !

ای پدر تمام آزادگان !

ای الگوی مؤمنان !

ای برتر از تمام دلاوران تاریخ ! اگر ظهر عاشورا در برابر یاران غرقه به خونت ایستادی و آنان را به یاری خواندی ، واگر آنان نتوانستند دوباره به یاری تو برخیزند ، هم اینک یاران با وفای تو در کربلای ایران ندای تو را لبیک گفته و با دل و جان از دین تو و آئین تو و راه تو دفاع می کنند و ندای " هل من ناصر " تو را با کمال خلوص و راستی " لبیک یا ابا عبدالله " می گویند و در مقابل دشمنان ، یک آن سر تسلیم فرود نمی آورند و با تو پیمان می بندند که هرگز دست از مبارزه برندارند و با غرب و شرق ، آمریکا و شوروی و دیگر جهانخواران ستیز خواهند نمود .

ای نور چشم زهرا ! اگر آن روز " سعید بن عبدالله حنفی " با سینه خود تیرهای دشمنان را استقبال کرد و همچون سپری در برابر تو ایستاد که نمازت را و بیامت را با آسودگی و آرامش ببایسان برسانی و هنگامی که بدن پاکش پر از تیر شده و بر زمین افتاد ، چشم خود را گشود و نگاهی به سیمای دلربایت افکند و گفت :

آها وفا کردم به پیمانم ای فرزند رسول خدا؟ فرمودی: آری، و تو قبل از من به بهشت خواهی رفت . . . اینک نیز هزاران سعید- بن عبدالله در جبهه های حق علیه باطل ، برای زنده نگهداشتن بیامت و نمازت ، با گشاده روئی ، به سوی تانک ، توپ و مسلسل یزیدیان میروند و هنگامی که در خون خود غوطه ور میشوند ، آرزوی این دارند که نگاهی به سوی آنان افکنی که این نگاه آنها را بسازد . آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آها شود که گوشه چشمی به ما کنند
خدایا شهیدان ما را همنشین یاران ابا عبدالله در بهشت برین
قرار ده و ما را به راهشان رهنمون باش .

دنباله شهید اول

را برضد شهید اول شورانده و سرانجام آن رهبر و فقیه پاک - شریعت را به زندان و پس از یکسال اعدام نمودند و سپس بدن مطهرش را سوزاندند . نفرین خدا و پیامبران و تمام مردم بر تمامی دشمنان دین و انسانیت . و رحمت خدا بر شهدای راست قامت اسلام .

- ۱- این روستا که به برکت وجود شهید اول ، قرنهای شیعیه - نشین بود ، در جیل عامل ، در لبنان واقع است . مسیحیان - حدود ۸۰ سال پیش - این قریه را انتقال کرده و آثار اسلامی آن را از بین بردند ، و امروز جز چند خانه مسلمان نشین ، در آن نیست .
- ۲- جیل عامل منطقه ای است کوهستانی در جنوب لبنان که " نبطیه " و " جزین " و " جعاع " در آن واقع است . و از دیر زمانی مسکن شیعیان لبنان بوده است جیل عامل زادگاه بسیاری از علمای شیعه است .
- ۳- به نقل از کتاب شهیدان راه فضیلت ، علامه امینی ص ۱۵۷ .
- ۴- روضات الجنات ، جلد هفتم ، صفحه ۱۱ .
- ۵- سیف الدینی برقوق ، سرسلسله پادشاهان جرکسی است که بر مصر و شام حکومت می کردند .

پاورقیهای سیره ائمه (ع)

- ۱- وقتی می گوئیم علماء منظورمان علمای دین در آن زمان است که عبارت بودند از: محدثین ، مفسرین ، فراء ، قضات و زهاد .
- ۲- کتب الاحبار یک نفر یهودی بود که در زمان خلیفه دوم سلطان شد . و شدیدانست به احادیث او سوگن وجود دارد ، نه فقط در بین شیعیان بلکه حتی بسیاری از اهل سنت نیز نسبت به احادیث او همین گمان را دارند که او از روی دشمنی و عناد با اسلام احادیثی را جعل کرده است . البته برخی از اهل سنت او را قبول دارند .
- ۳- گاهی محمد بن مسلم زهری نیز به او می گویند یعنی اسم پدر او گاهی شهاب و گاهی مسلم ذکر می شود و احتمالاً یکی اسم پدرش و دیگری لقب پدرش می باشد .
- ۴- طبقات ابن سعد ، ج ۲ ، صفحه ۱۳۵ و ۱۳۶ .
- ۵- ولید پسر بزرگ عبدالملک مروان است که پس از او به خلافت رسید .
- ۶- " فاذا الدفاتر قد حملت علی الدواب من خزائنهم و يقال هذا من علم الزهري " .
- ۷- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۸ به نقل از کتاب " دراسات من- الصحیح و الکافی " .
- ۸- در جایی دیدم که یکبار محمد بن شهاب وارد مسجد الحرام شد و هیئت حاکمه آنقدر برای او تشریفات چیده بود که وقتی آن عده از علماء و محدثین دیگری که در مسجد بودند این دستگاه را دیدند همه دچار شگفتی شدند .